

مبارزه علیه وضع موجود

جنبش دانشجویی آلمان ۱۹۸۵-۱۹۵۵

سابینه فون دیرکه

ترجمه

محمد قائد

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۹

فهرست

یادداشت مترجم / ۱

پیشگفتار: فرهنگ و سلطه / ۹

۱ سلطه فرهنگی و خرده فرهنگ‌های جوانانه در دهه ۱۹۵۰ / ۲۱

۲ ”برقرار باد قدرت تخیل!“ / ۴۷

۳ ترانه‌های غمگنانه پس از ۱۹۶۸ / ۹۷

۴ بیطرفی به چه درد می‌خورد؟ / ۱۴۵

۵ ”خودتان زحمتش را بکشید“ / ۱۹۳

۶ میان سیاست و زیست‌بوم / ۲۴۳

نتیجه‌گیری / ۲۷۵

یادداشتها / ۲۸۹

نمایه / ۲۹۷

پیشگفتار: فرهنگ و سلطه

آلمان پس از جنگ جهانی دوم را اغلب دموکراسی باثباتی می‌دانند برخوردار از فرهنگی بیشتر یکدست تا گرفتار تضاد. با دقت بیشتر در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور این تصوّر زیر سؤال می‌رود و مواردی متعدد از نارضایی و اعتراض سیاسی از همان اوان ایجاد جمهوری آلمان نمایان می‌شود. برای مثال، در نخستین سالهای پس از جنگ و در دهه ۱۹۵۰ نیز آلمان شاهد اعتراض سیاسی حول موضوعهای تسلیحاتی بود. اما فرهنگ مسلط این جنبشهای صلح‌طلبانه اولیه و دیگر جریانهای خرده‌فرهنگ نارضایی را مهار کرد. یک دهه بعد، جنبش دانشجویی نخستین خیزش سیاسی-اجتماعی و فرهنگی بود که هماهنگی عصر آدنauer را بکلی به هم ریخت و تأثیرهایی پایدار بر تحولات بعدی جامعه آن کشور گذاشت. پیدایش جنبش دانشجویی نشانگر آغاز فرهنگ مخالف وضع موجود در آلمان غربی بود، فرهنگی که طی سالیان به نیروی سیاسی بااهمیتی تبدیل شده و موفقیت جنبش محیط زیست و دی تاگس زایتونگ،^۱ نخستین روزنامه یومیّه از نوع

1. die tageszeitung

بدیل، شاهدهی است بر این موفقیت. درك آلمان امروزی بدون آگاهی از تحولات تاریخی و تعقلی در این فرهنگِ مخالف وضع موجود ممکن نیست. پس در این مطالعه به بررسی تاریخ خرده فرهنگ‌ها و فرهنگِ مخالف وضع موجود آلمان غربی از دهه ۱۹۵۰ تا نیمه ۱۹۸۰ می‌پردازیم. فرهنگِ مخالف وضع موجود از همان ابتدا بسیار مورد توجه قرار گرفت، بخصوص از سوی اهل علوم اجتماعی که عبارت «جنبشهای جدید اجتماعی» را به‌عنوان دربرگیرنده انواعی از جنبشهای اپوزیسیون، از قبیل ابتکار عمل شهروندان، جنبش زنان، جنبش محیط زیست، جنبش صلح، جنبش اشغال خانه‌های خالی و جنبش بدیل بر سر زبان انداختند. از آنجا که هر يك از این جنبشها پیرو سیاست و شیوه زیستی متفاوت با روش رایج بود، عنوان جنبش بدیل را اغلب مترادف کل جنبشهای جدید اجتماعی، با تأکید بر وجوه مشترك انواع گروههای اپوزیسیونی و فرهنگِ مخالف وضع موجود، می‌انگارند. در برخی مطالعات، همه اعتراضهای سالهای پس از جنگ را در مفهوم واحد جنبش اجتماعی رده‌بندی می‌کنند و با این کار، خصلت تاریخی مشخص‌کننده جنبشهای جدید اجتماعی را کمرنگ جلوه می‌دهند. در مطالعه حاضر عنوانهای جنبشهای جدید اجتماعی و جنبش بدیل مشخصاً و تنها برای گروههای طرفدار فرهنگِ مخالف وضع موجود از نیمه دهه ۱۹۷۰ تا نیمه دهه ۱۹۸۰ به کار رفته است. مطالعه حاضر با بسیاری تحقیقات در حوزه علوم اجتماعی که متمرکز بر ریشه‌ها و ساختار فرهنگِ مخالف وضع موجود، مفهوم بدیلی که از سیاست ارائه می‌دهد و تأثیرش بر نهادهای سیاسی و اجتماعی مستقرند تفاوت دارد. در عوض، این مطالعه به تحلیل همبستگی میان مشی سیاسی فرهنگِ مخالف وضع موجود و مفاهیم زیبایی‌شناسی و شیوه عمل آن در عرصه هنر می‌پردازد.

همچنان که از عنوان فرهنگِ مخالف وضع موجود بر می‌آید، خط‌مشی سیاسی، شیوه عمل در عرصه هنر و مفاهیم زیبایی‌شناسی آن

سلطه فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های جوانانه

در دهه ۱۹۵۰

بار دیگر آستین بالا زنیم
تا که تولید ناخالص ملی بالا بریم
تصنیف "تولید ناخالص ملی"، ۱۹۷۷

تصنیف "تولید ناخالص ملی" از گروه موزیک گایر اشتور تسفلوگ،^۱ با آهنگی شاد که یادآور موسیقی مردم‌پسند دهه ۱۹۵۰ بود، همزمان با چرخش سیاسی کشور در اوایل دهه ۱۹۸۰ موفقیتی فوق‌العاده به دست آورد. پس از سیزده سال حکومت سوسیال دموکرات-لیبرال (ائتلاف دو حزب سوسیال دموکرات و حزب دموکرات آزاد) و سکانداری حزبی که اعتبار "معجزه اقتصادی" پس از جنگ را نصیب خویش کرده بود، اتحاد دموکرات مسیحی و هم‌تای باواریایی اش، اتحاد سوسیال مسیحی، بر سر کار آمدند و وعده تغییر در اوضاع دادند. این تصنیف موج نوی روحیه روند کلی جامعه آلمان در هر دو دوره - دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۸۰ - را به گونه‌ای طعنه‌آمیز مجسم می‌کند، دوره‌هایی که کشور به رهبری حزبهای میانه راست همه توان خویش را بر اقتصاد متمرکز کرد. این تصنیف

۱. Geier Sturzflug، در لغت به معنی لاشخور پرشکسته - م.

روی کلمات، به آن دوره عنوان “پنجاهیِ تقلبی”^۳ داد. “پنجاهیِ تقلبی” به معنی اسکناَس پنجاه‌مارکی جعلی است، و اصطلاحاً در مورد آدم‌های حقه‌باز به کار می‌رود. از چشم‌انداز دههٔ ۱۹۸۰، “معجزهٔ اقتصادی” دههٔ ۱۹۵۰ “پنجاهیِ تقلبی”، در هر دو معنی حقیقی و مجازی‌اش، به نظر می‌رسید. از سوی دیگر، آلمان غربی در دههٔ ۱۹۵۰ شاهد رشد اقتصادی فوق‌العاده‌ای بود که به آهستگی اما به نحوی قابل اطمینان پول بیشتری به جیب آدم‌هایی که کار می‌کردند می‌ریخت. از سوی دیگر، تصویری افسانه‌ای که در دههٔ ۱۹۸۰ از دههٔ سراسر موفقیت ۱۹۵۰ رواج داشت به اندازهٔ پول تقلبی بی‌اساس بود. آن موفقیت به بهای آینده به دست آمد و وعده وعیدهای شیرین دههٔ ۱۹۵۰ در دههٔ ۱۹۸۰ تبدیل به فجایع زیست‌محیطی شد.

تصنیف “تولید ناخالص ملی” دقیقاً به همین تصویر دروغین دههٔ ۱۹۵۰ در چشم مردم دههٔ ۱۹۸۰ اشاره دارد. تصنیف بیانگر برنامهٔ سیاسی محافظه‌کارانهٔ دههٔ ۱۹۸۰ – یعنی توسل به فضایل سخت‌کوشی و اخلاق والای کار در دههٔ ۱۹۵۰ – اما با بیانی بسیار طعنه‌آمیز است. پرتعدادترین نوع موزیک مردم‌پسند دههٔ سراسر موفقیت دههٔ ۱۹۵۰ را به کار می‌گیرد اما شعر آن با تصنیفهای آن دوره که دنیای کالسکه‌های سفید عروسی و شبهای رمانتیک در فلورانس و پاریس را تصویر می‌کرد یک دنیا فاصله دارد. کلام تصنیفهای آن دوره جهانی خیالی را مجسم می‌کرد، نه واقعیهایی از قبیل کار را؛ تصاویری در جهت اثبات وضع موجود و عاری از دید انتقادی، و بیانگر تلقی سهل‌گیرانهٔ اکثریت که، بر خلاف تصنیف گروه گایپر اشتورتسفلوگ در بیست سال بعد، در فکر زیرسؤال کشیدنِ مادی‌گرایی جامعه نبود. تلفیق عمدی شکل موسیقی احساساتی و مردم‌پسند دههٔ ۱۹۵۰ با واقعیهای جدید اجتماعی – کار، اقتصاد و مصرف – تصنیف را از حال و هوای طعنه و مخالفت با نظام

سخت‌کوشی آلمانی را، که افکار عمومی می‌پنداشت بهبود سریع پس از جنگ نتیجهٔ آن است، به سُخره می‌گیرد و شرح احوال مردمی است سالخورده و از کار افتاده که هر صبح زود وقتی سوت کارخانه به صدا در می‌آید یواشکی به سوی کارخانه می‌شتابند و تبدیل به آدم‌هایی معتاد به کار می‌شوند که با ضرباهنگِ کاری که انجام می‌دهند دسته‌جمعی آواز می‌خوانند. مدیر گروه گایپر اشتورتسفلوگ می‌گوید قصد ستایش سرمایه‌داری و شکوفایی اقتصادی دههٔ ۱۹۸۰ را نداشتند و می‌خواستند اعتیاد به کار و مصرف‌گراییِ جامعهٔ معاصر آلمان غربی را دست بیندازند. اما حتی هجو هم در برابر مصادره از سوی فرهنگِ روند کلی و تبدیل شدن به زبان حالِ نیروهای مسلط مصون نیست.

تصنیف دیگری از همین گروه، با نام “از اروپا تا سر جایش است دیدن کنید” که مضمون آن مسابقهٔ تسلیحاتی دو ابر قدرت و امکان دودشدن و به هوارفتن اروپا در جنگی اتمی است، به وجوه تشابه دیگری میان دو دوره اشاره دارد. ورود جنگ‌افزاری جدید به نام بمب نوترونی در دورهٔ ریاست جمهوری کارتر در سال ۱۹۷۸ و لفاظی رونالد ریگان علیه شوروی در دههٔ ۱۹۸۰ تبعات مستقیم مسابقهٔ تسلیحاتی و ذهنیت جنگ سرد در دههٔ ۱۹۵۰ بود. در نتیجه، ضدیت با کمونیسم و اعتراض به تسلیحات در هر دو دوره قوت گرفت.

با توجه به این تشابهات، احیای فضای دههٔ ۱۹۵۰ در اذهان عمومی از اواخر دههٔ ۱۹۷۰ تا نیمهٔ دههٔ ۱۹۸۰ جای تعجب نداشت. تصویر رسانه‌های همگانی از دههٔ ۱۹۵۰، تصویر دوره‌ای شاد بود با زیرپوش‌های چین‌دار، طرحهای نامتقارن و موزیک تین پان آلی.^۲ گرچه اوایل دههٔ ۱۹۸۰ تحقیقاتی در باب تمام جنبه‌های زندگی در دههٔ ۱۹۵۰ انتشار یافت، ارزیابیهای مفصل یا انتقادی را نادیده گرفتند و دنبال افسانهٔ بازسازی‌شدهٔ آن دوره رفتند. مقاله‌ای انتقادی در مجلهٔ **اشپیگل** با بازی

2. Tin Pan Alley music

3. “falsche Fünfziger”